

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

نویسنده : واسیلی متروخین
مترجم : احمد ضیاء رهگذر
۲۴.۰۴.۰۹

ک . ج . ب . در افغانستان

قسمت آخر:

ملاقات با کسینجر برای باهر خیلی جالب بود زیرا بدین وسیله او توانسته بود خود را با دیپلوماسی شخصی وزیر اسبق خارجه امریکا آشنا سازد. باهر کاملاً متقاعد گردیده بود که کسینجر سرگرم یک بازی محیلانه در مقابل دولت فعلی و به طور خاص در مقابل برژینسکی است. "ناجی پولندی امریکا شخصیکه از نگاه بیولوژیکی کاملاً در تضاد با این مورد [ماموریت] قرار میگیرد".

باهر فکر میکرد که کسینجر تلاش میکند تا " با تعصب زیاد دولت را از سلطه جوئی روسها هراسان نموده، دولت امریکا را وادار به اتخاذ اقدامات عجولانه و احمقانه ای نماید تا بعداً او بتواند شخصاً در ملای عام با شدت این اقدامات دولت را مورد انتقاد قرار دهد".

کسینجر همچنان میخواست به این وسیله این نظر را که قصر سفید بدون او در قسمت حفاظت از منافع ملی امریکا عاجز بوده است، را تقویه نماید. همچنان او میخواست نشان بدهد که قصر سفید کشور را از یک بحران به طرف بحران دیگر میکشاند.

در بحث روی روابط دو جانبه بین امریکا و چین کسینجر، جست و خیرکهای وزیر دفاع امریکا [هارولد برون] را مبتنی بر سیاستهای احمقانه و ضد شوروی خواند. به نظر کسینجر در صورت کشاندن چین به این بازی در میدان نظامی شوروی ها در انزوا قرار خواهند گرفت و یگانه راه بیرون رفت برای شورویها حمله هسته ئی به چین خواهد بود تا بتوانند بدین وسیله توانائی نظامی چین را از بین ببرند.

کسینجر به ملاقاتش با وزیر دفاع امریکا، "برون" در هنگامیکه اخیرالذکر از جمهوری خلق چین برگشته بود^۱ اشاره نموده گفت:

^۱ هارولد برون وزیر دفاع امریکا سرگرم بازدید از جمهوری خلق چین از پنجم الی نهم جنوری سال ۱۹۸۰ بود.

" من از او پرسیدم که آیا ما از نگاه نظامی و اخلاقی آماده هستیم که بتوانیم در صورت حمله نظامی شوروی به چین از آنکشور دفاع نمائیم؟. به باور کسینجر در چنین یک حالت امریکا مجبور خواهد بود تا چین را به سرنوشتش گذاشته، ترک گوید. و اینکار به حیثیت امریکا برای همیشه لطمه وارد خواهد نمود".

کسینجر در ملاقات با باهر چندین بار اظهار نمود که " رقابت با اتحاد شوروی آنطوریکه برژینسکی میبوت آن است فقط در صورت تشریک مساعی ممکن خواهد بود". او تاکید نمود که عدم تشریک مساعی و همکاری بمتابۀ پایان سیاستهای معقول بوده و تهدیدی خواهد بود برای صلح.

به نظر باهر، شولمن که توانسته بود تحلیل جالبی از اوضاع افغانستان نماید، دارای موقف شبیه کسینجر بود. به نظر شولمن مقصر اصلی در این بازی اداره کارتر بود. زیرا این اداره به اتحاد شوروی مجال حرکت نداده بلکه شوروی را در انزوا قرار داده است. با در نظر داشت موقعیتی که شوروی در آن قرار گرفته بود تصمیم حمله به افغانستان یگانه کاری بود که شوروی میتوانست آنرا انجام دهد.

باهر نتایج ملاقاتهایش با امریکائیا را چنین خلاصه نمود:

" کارتر با تصامیم متناقص و ناگهانی به یک انسان بیچاره ای مبدل شده است. او اینوع تصامیم را از بابت تقاضای زمان و برای حفظ پرستیژ امریکا اتخاذ میکند".

باهر متقاعد بود که همکاری با دولت امریکا به یک کار خیلی مشکلی مبدل خواهد گردید. به همین دلیل او اظهار نمود که معقول خواهد بود اگر نیرو های مخالف کارتر در امریکا مورد حمایه قرار گیرند. اساساً هدف او سناتور ی.کنیدی^۱ بود که خواهان اشغال پُست رهبری دولت امریکا بود.

زمانیکه سناتور کنیدی از موجودیت باهر در امریکا اطلاع حاصل نمود به نامبرده تلفون نموده از اینکه به علت مصروف بودن در یک سفر به شهر ایوا^۲ برای مبارزات انتخاباتی نتوانسته بود نامبرده را ملاقات نماید اظهار تأسف نمود. اما او وعده نمود که در آینده به اروپا سفر نموده با شخص او ملاقات نماید.

سناتور کنیدی برای ملاقات با باهر یکی از دوستان نزدیک و مورد اعتمادش، پیتر ایدلمن^۳ را فرستاد. ایدلمن با باهر خیلی دوستانه صحبت نموده و بنابر هدایت سناتور کنیدی نظرات نامبرده را پیرامون اوضاع بیان نمود. به نظر سناتور معضله طولانی ایران به همان پیمانۀ که چانس دوباره انتخاب شدن کارتر را ازدیاد میبخشید باعث میگردید تا او توانایی بیشتری را برای بیان مقاصد و تصامیم خود داشته باشد. معضله افغانستان که موضوع ایران را تحت شعاع قرار داده بود نیز به نفع کارتر تمام میگشت. کنیدی یقین داشت که باوجود اینکه دولت امریکا میخواهد تا توجه مردم را به مسأله افغانستان جلب نماید، در نهایت این توجه و علاقه مردم به مسأله افغانستان کاهش یافته آنها دوباره متوجه موضوع ایران میگرددند. البته این سؤال که " چه کسی با پنهان ساختن پادشاه ایران در امریکا باعث ایجاد معضله شد؟" نیز مطرح خواهد شد که این موضوع برای دولت فعلی ناراحت کننده خواهد بود.

ایدلمن گفت به نظر او ایجاد این حالت برای سناتور کنیدی این توانائی را خواهد بخشید که کمپاینی را تحت شعار " عادی ساختن روابط با اتحاد شوروی و دیگر کشور ها به نفع صلح " به راه اندازد. اگر کنیدی بتواند در

E.Kennedy

Iowa

Peter Edelman

قسمت حل و فصل مسأله امریکائیه‌های گروگان گرفته شده در تهران نقشی را بازی کند اینکار میتواند برای او به عنوان ورق برنده شدن در انتخابات باشد. ایدلمن به شکل واضح و بی پرده به باهر گفت " اگر مسکو به کنیدی به این شکل کمک نماید میتواند متوقع انکشاف مثبت در روابط امریکا و شوروی باشد".

در پنجم مارچ یک سیاستمدار امریکائی به نام جان. و. تینی.^۱ به نمایندگی از کنیدی به مسکو آمده بود تا روی نظرات مذکور در باره "طروق کاهش فشار های بین المللی که بالای رهبری شوروی قرار داشت، تأکید نماید. سناتور به این نظر بود که بخشی از صحبت‌های برژنف که در ناحیه بوومن خطاب به رای دهندگان صورت گرفته بود و در آن به سیاست خارجی [شوروی] اشاره شده بود، بیانگر موضع ثابت و مستحکم اتحاد شوروی در قبال سیاست تشنج زدائی بوده زمینه ای را برای حل واقعی موضوع افغانستان ایجاد نمود.

اما در عین زمان اداره کارتر تلاش دارد تا پیشنهادات صلحخواهانه برژنف را تحریف نماید. قصر سفید ذهن مردم را با مزخرفاتی مانند " تهدید نظامی شوروی " و جا طلبی شوروی برای توسعه نظامی در خلیج فارس، تغذیه مینماید. کارتر، برژینسکی، وزارت دفاع امریکا و ماشین نظامی [امریکا] فضا را در مقابل تمام مردم شوروی متشنج و خصومت آمیز ساخته است. همه کاندیدان ریاست جمهوری مربوط حزب جمهوری خواهان به احساسات ضد شوروی دامن زده پیشگوئی مینمایند که " شوروی ها در افغانستان مانند امریکائی ها در ویتنام بد نام شده موقوف اتحاد شوروی خصوصاً در کشور های اسلامی تنزل خواهد یافت ".

اما در عین زمان اشخاصی دیگری مانند " وانس، کریستوفر^۲ و دیگران " که در داخل دولت امریکا وجود داشتند سیاستهای کارتر را خلاف منافع امریکا تلقی مینمودند. آنها به این باور بودند که تشنج را میشود از راه گفتگو با برژنف حل و فصل نمود.

کنیدی با در نظر داشت همه این مطالب به این نتیجه رسید که این وظیفه اوست که شخصاً وارد عمل شود البته با وجود نتایج منفی اینکار برایش. او میخواست دولت کارتر را وادار سازد تا در جهت کاهش بحران اقدام نماید. او باید به سرعت وارد عمل میشد زیرا رکودیکه توسط گروه های صلح دوست در امریکا ایجاد شده بود، هر نوع تغییر جهت را برای کارتر در صورت برنده شدن دوباره موصوف در انتخابات، ناممکن میساخت. در آنصورت او [کارتر] ناچار بود تا به همان سیاستهایش که باعث هرچه تیره تر شدن روابط شوروی - امریکا میگردد، ادامه دهد.

اگر جمهوریخواهان در انتخابات برنده شوند اوضاع صرفاً بدتر خواهد شد. به نظر کنیدی ضرور بود تا او از شانزدهم الی هژدهم مارچ سخنرانیهای را درباره اوضاع افغانستان به راه اندازد. او برآن بود تا از قصر سفید تقاضای ضمانت عدم مداخله در امور داخلی افغانستان را نماید. همچنان نامبرده میخواست تا قصر سفید باید از همه امکاناتش استفاده نموده چین و پاکستان را متقاعد گرداند که از مداخله در امور داخلی افغانستان خودداری نمایند. او میخواست از دولت بیرک کارمل نیز تقاضا نماید تا سیاست بیطرفی را پیش گرفته، به هیچ پیمان نظامی نیبسته و به حضور هیچ قوه خارجی در افغانستان اجازه ندهد. او همچنان میخواست تا کارمل را وادار سازد که در امر دموکراتیزه کردن بیشتر دولت افغانستان اقدام نموده اعضای دیگر احزاب و روحانیون را در دولت شامل سازد. او

^۱ John. V. Tunney سناتور حزب دموکراتها (۱۹۷۱ - ۱۹۷۹) از ایالت کلیرفورنیا و یکی از همپیمانان نزدیک سناتور ایوارد کنیدی.

^۲ Warren Christopher معاون وزارت خارجه امریکا بین سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۸۸ ، بعداً وزیر خارجه ۱۹۹۳ و ۱۹۹۷. ویرایشگر.

میخواست از دولتهای امریکا و شوروی تقاضا نماید تا وارد مذاکره روی اقدامات اساسی شوند تا باشد از عدم مداخله در امور داخلی افغانستان ضمانت صورت گیرد. دولتهای امریکا و شوروی باید در جهت اجرای این ضمانتها در مشارکت با هم برنامه ای را که برای هر دو طرف قابل قبول باشد طرح نمایند که البته سازمان ملل متحد نیز باید در این برنامه شامل ساخته شود.

هرگاه نتایج مذاکرات امریکا و شوروی مثبت باشد او [کنیدی] خواهد خواست تا از دولت شوروی تقاضا نماید که حسن نیتش را به نمایش گذاشته و با موافقت دولت افغانستان تعدادی از قوای نظامیش (ده تا دوازده هزار تن) را از افغانستان بیرون کشیده، زمانی را برای اخراج تعداد باقی مانده قوایش در طی سالهای ۱۹۸۰ / ۱۹۸۱ تعیین نماید.

کنیدی تصور مینمود که بخشی از پیشنهادهایش برای دولت شوروی قابل قبول خواهد بود. او ممنون خواهد بود اگر برژنف موافقتش را با این طرح اعلام نماید زیرا اجرای این طرح به نیروهای صلح دوست روح تازه ای میبخشید. تینی به تفاوتهای اساسی موجود بین طرح پیشنهادی کنیدی و دولت امریکا اشاره نمود. در واقعیت قصر سفید در طرح خود تقاضای خروج قوای شوروی را از افغانستان مینمود که این خود تائید مینمود که قوای شوروی به شکل غیرقانونی به افغانستان فرستاده شده است. در طرح کنیدی موضوع مشروعیت موجودیت قوای نظامی شوروی در افغانستان مطرح نشده بود. در این طرح موضوع خروج قوای شوروی از افغانستان مرتبط ساخته شده بود به اقداماتی که ضمانت عدم مداخله بیرونی به امور داخلی افغانستان را نماید.

"ک.ج.ب." این موضوع را همراه با نظر خودش به مقامات بالا گزارش داد "گرچه همه پیشنهادات کنیدی برای ما قابل قبول نیست اما از آنجائیکه [این گزارش] تفاوت میان طرز تفکر کارتر و دیگر سیاستمداران را به نمایش میگذارد، ارزش ملاحظه کردن را دارد".

در چهاردهم ماه می از تذکراتی محرمانه (ت. واتسن)^۱ سفیر امریکا در مسکو، سناتور (ر. بییرد)^۲ و (آ. کرنستن)^۳ پرده برداشته شد. آنها اظهار داشته بودند که امریکائیکه قصد دارند تا در ملاقات قریب الوقوع در ویانا [مرکز اتریش] موضوعات زیادی را درباره روابط امریکا و شوروی، مانند مشکلات امنیتی در اروپا، تجارت، همکاریهای اقتصادی به شمول فروش گندم به اتحاد شوروی و افغانستان، را مطرح نمایند. به این ترتیب حساسیت موضوع افغانستان کم اهمیت تر جلوه خواهد نمود.

افرادی وجود داشتند که مانع انتقاد شدید از لشکرکشی شوروی [به افغانستان] میشدند. به طور مثال در ۱۲ جولای سال ۱۹۸۰ نشریه فرانسوی زبان "ویستینک"^۴ مقاله ای را به قلم چیومینت به نشر سپرد که در آن از استدلال "ک.ج.ب." به منظور رد نمودن محاسبات کشور های غربی در مورد تهدید نظامی شوروی، استفاده به عمل آمده بود. مقاله مذکور این نظر را که بحران در افغانستان ناشی از [لشکر کشی] اتحاد شوروی باشد را، مورد شک و تردید قرار داده، در عوض پرده از تلاشهای امریکا برای ساختن سلاحهای نیوترونی برمیداشت.

^۱ Thomas J. Watson J.r. رئیس موسسه آی. بی. ایم و سفیر در اتحاد شوروی.

^۲ Robert Byrd از سال ۱۹۵۸ سناتور ویرجینیا غربی.

^۳ Alan Cranston سناتور ایالت کالیفرنیا بین سالهای ۱۹۶۸ تا ۱۹۹۳

^۴ ظاهرآ اسم رمزی نشریه لیموند.

همچنان رئیس شورای اسلامی مربوط بخش خدمات اجتماعی (اسم رمزی : روگوف)^۱ نیز نطقی را به عین هدف ایراد نمود.

در جولای یک همایش جهانی برای همبستگی با مردم افغانستان اجرا گردید. این شعار که " سی. آی. ای آسیا را به قاره ای از رهبران کامیکازی^۲ میدل میسازد " توسط اشتراک کنندگان این همایش در ساختمانهای وزارتخانه ها و سایر محلاتیکه گروه های اشتراک کننده در این همایش در آنجا اقامت داشتند، نصب گردیده بود. پوستر ها از مسکو فرستاده شده بعداً توسط ریزیدنسی به سفارتخانه ها و هیأت های اشتراک کننده [در این همایش] به شمول هیأت شوروی و سفارت آنکشورتوزیع گردیده بود. ولی افغانها نتوانستند پیام این پوستر ها را درک کنند. آنها میپرسیدند " چرا در میان کشته شده ها یک تصویر تره کی قرار دارد ؟ او که یک کمونیست و مؤسس ح.د.خ.ا. بود !".

غرب با خوشبینی از کوچکترین نشانه ای مبنی بر حل سیاسی این معضله [افغانستان] استقبال مینمود. نومین کلاتورا اکثراً دست به پخش معلومات نادرست میزد. به طور مثال در موضوع اخراج تعدادی از سربازان روسی از افغانستان گیسکارد دیاستینگ^۳ (رئیس جمهور فرانسه بین سالهای ۱۹۷۴ الی ۸۱) به سادگی شکار این معلومات نادرست شد. او گفت " این واقعاً یک حرکت عاقلانه و عاقبت اندیشانه ایست که بیانگر علاقه رهبری شوروی به حل سیاسی معضله افغانستان میباشد ". او تملق مینمود که اولین رئیس جمهور یک کشور غربی بوده که این تصمیم دولت شوروی توسط برژنف برایش ابلاغ شده است.

دولت شیمیت^۴ (صدراعظم آلمان غرب بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۸۲) نیز با شور و شوق توسط عین حيله شکار گردید. صدراعظم کریسکی^۵ تصور مینمود که این حرکت نشاندهنده آمادگی اتحاد شوروی برای ایجاد یک " پیش منظر " در روابط با شرق و غرب به مثابه ایجاد تعادل در مقابل سیاست تندی که توسط کارتر در مسایل بین المللی پیش گرفته شده است، میباشد.

این اولین باری نبود که شخصی فریب داده میشد. در واقعیت هرگاه انسان بخواهد میتواند یک حرکت زشت خود را نیز به دیگران طوری به نمایش بگذارد که آنها این حرکت زشت او را تقدیس نمایند. در سال ۱۹۸۶ زمانیکه گرباچف وعده بیرون کشیدن ۶ لوارا از افغانستان قبل از برنامه تعیین شده نمود، طوری معلوم میشد که جهان غرب واقعیت را درک نموده و به این وعده موصوف چندان امیدوار نبودند.

۱۹۸۷

^۱
Rogov

^۲ Kamikaze یک پیلوت جاپانی که در جنگ دوم جهانی از جان خود گذشته یک پرواز انتحاری را انجام داد [مترجم].

^۳ Valéry Marie René Giscard d'Estaing

^۴ Helmut Schmidt

^۵ Bruno Kreisky رهبر حزب سوسیال دموکرات اتریش و صدراعظم آنکشور بین سالهای ۱۹۷۰ و ۱۹۸۳ ویرایشگر.

ضمیمه شماره اول

فهرست اسمای اجنتها و خبرسانها^۱

'Nur', 'Dedov' - [excised]
'Martov', 'Dekabryov' - [excised]
'Kazem' - [excised]
'Piruz' - [excised]
'Semyon' - [excised]
'Mamad' - [excised]
'Osman' - [excised].
'Sima' - [excised].
'Habib' - [excised]
'Sharki' - [excised]
'Fatekh' - [excised]
'Pers' - [excised]
'Dust' - [excised]
'Verny' [faithful] - [excised].
'Bost' - [excised]
'Shiit' - [excised].
'Pyotr' - [excised].
'Araz' - [excised]
'Pavel' - [excised].
'Travin' - [excised]
'Ben' - [excised]
'Bashir' - [excised].
'Ustod' - [excised]
'Borin' - [excised].
'Potomok' - [excised]
'Salikh' - [excised]
'Lori' - [excised]
'Merkury' [Mercury] - [excised]
'Rostov' - [excised]
'Ali' - [excised]
'Ktorov' - [excised]
'Alexander' - [excised]
'Ostad' - [excised].
'Arbakesh' - [excised].
'Bakhed' - [excised]
'Mekhr' - [excised]
'Jan' - [excised]
'Samad' - [excised]
'Shir' - [excised]
'Vin' - [excised]
'Shayan' - [excised].
'Karpov' - [excised]

^۱ اسمهای واقعی و هویت کامل این افراد حذف شده است.

'Fakir' - [excised].
 'Fizik' [physicist] - [excised]
 'Iskhak' - [excised].
 'Volin' - [excised].
 'Abdullah' - [excised].
 'Siddik' - [excised].
 'Rakkas' - [excised]
 'Fuladi' - [excised]
 'Hodzha' - [excised]
 'Gardez' - [excised]
 'Ahmed' - [excised]
 'Anwar' - [excised].
 'Kharvar' - [excised]
 'Nafar' - [excised]
 'Asamai' - [excised]
 'Akbar' - [excised]
 - [excised]
 - [excised]
 -
 'Richard' - [excised].
 'Jafar' - [excised]
 - [excised].
 'Samarin' - [excised]
 'Satar' - [excised]
 'Khavar' - [excised]
 'Saturi' - [excised]
 'Fakir' - [excised]
 'Ragim' - [excised]
 'Mishkar' - [excised]
 - [excised].
 'Syoma' - [excised]
 'Mirab' - [excised]
 'Yakov' - [excised]
 'Miron' - [excised]
 'Antar' - [excised].
 'Furman' - [excised].
 'Volodya' - [excised].
 'Mure' - [excised].
 'Roschin' - [excised]
 'Shiit' - [excised].
 'Noble' - [excised].
 'Emir' - [excised].
 'Tamada' - [excised]
 'Noy' - [excised]
 'Rasul' - [excised].
 'Kim' - [excised].
 'Pimen' - [excised]
 'Belov' - [excised].
 'Furman' - [excised]
 'Tikhon' - [excised].

'Sizov' - [excised]
'Kholmov' - [excised]
'Zubrov' - [excised].
'Pyotr' - [excised]
'Pavel' - [excised].
'Pers' - [excised].
'Remiz' - [excised].
'Komov' - [excised].